

خطاب‌های موعظه‌ای برفراز کوه

ترجمه: پیروز سیار

اشاره

متن حاضر پاره‌ای از ترجمه پیروز سیار از **عهد جدید** است؛ ترجمه کامل «عهد جدید» به انضمام مقدمه‌ها و پانوشته‌های تفسیری و پیوست‌های انتهایی کتاب (شش پیوست) و نقشه‌ها. این ترجمه فارسی که بر مبنای **کتاب مقدس اورشلیم** انجام شده است، مشتمل بر چهار انجیل، کتاب اعمال رسولان، ۱۳ رساله پولس و رساله به عبرانیان، هفت رساله عام و مکاشفه است، حجم کل کتاب ۱۳۱۲ صفحه در قطع وزیری است. در این جا برای سهولت کار، بخشی از پاورقی‌ها و ارجاعات آمده است. **خطابه موعظه برفراز کوه از غرر سخنان عیسی (ع)** است.

رتال جامع علوم انسانی



سعادت‌ها

چون مردمان را بدید، از کوه^۲ بر شد و آن‌گاه که بنشست، شاگردان او نزدیکش آمدند. زبان به سخن گشود و ایشان را تعلیم بداد و گفت:

نیکیبخت^۳ آنان که روح فقیرانه^۴ دارند، چه ملکوت آسمان‌ها از آن ایشان است.

نیکیبخت نرمخویان،^۵ چه صاحبان زمین خواهند شد.

نیکیبخت غمزدگان، چه تسلی داده خواهند شد.

نیکیبخت گرسنگان و تشنگان داد، چه سیر خواهند شد.

نیکیبخت بخشاینده‌گان، چه بخشوده خواهند شد.

نیکیبخت پاکدلان، چه بینای خدا خواهند شد.

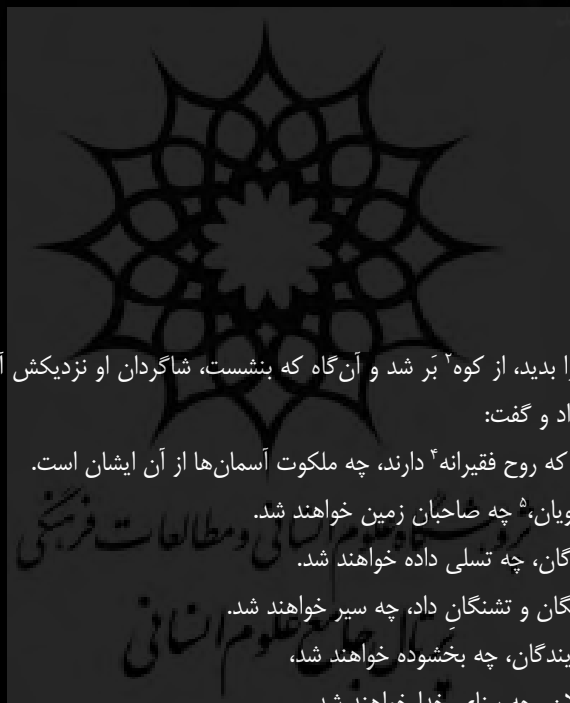
نیکیبخت بر پا دارندگان صلح، چه پسر خدا خوانده خواهند شد.

نیکیبخت آزر دیدگان از برای داد، چه ملکوت آسمان‌ها از آن ایشان است.

نیکیبخت شما آن‌گاه که دشنامتان دهند، که آزارتان کنند و به سبب من افتراهای از هر دست را ناروا بر شما

زنند. شاد و مسرور باشید، چه شما را در آسمان‌ها پاداشی عظیم خواهد بود: پیامبران پیش از شما را نیز این چنین

آزار کردند.^۶



نمک زمین و نور جهان

«شما نمک زمینید، لیک اگر نمک بی‌مزه شود، به چه چیز آن‌را نمکین گردانند؟ دیگر به کاری نیاید جز آن که برون افکنده شود و پایمال مردمان گردد.»

«شما نور جهانید. شهری که بر فراز کوهی قرار دارد. خود را نهان نتواند داشت. و چراغ نمی‌افروزد تا آن را به زیر پیمانانه^۷ نهند. بلکه تا آن را بر پایه گذارند تا آنجا از برای جمله آنان که در خانه‌اند، بدرخشد. بدین سان، نور شما باید بیشاپیش آدمیان بدرخشد تا اعمال نیکتان را ببینند و پدرتان را که در آسمان‌ها است، تمجید کنند.»

کامل گردانیدن شریعت

«مپندارید که آمده‌ام تا شریعت یا کتاب‌های پیامبران را منسوخ کنم؛ نیامده‌ام تا منسوخ کنم؛ بلکه آمده‌ام تا کامل گردانم.^۸ چه به راستی^۹ شما را می‌گویم که تا آسمان و زمین برنگردد، نه حرف و نه نقطه روی حرفی^{۱۰} از شریعت بر نخواهد گذشت تا بدانجا که همه محقق گردد. پس آن کس که از کوچک‌ترین این احکام یکی را زیر پا نهد و به دیگران نیز بیاموزد که چنین کنند، در ملکوت آسمان‌ها کوچک‌ترین شمرده خواهد شد؛ و به عکس، آن کس که آنها را به‌جای آورد و تعلیم دهد، در ملکوت آسمان‌ها بزرگ شمرده خواهد شد.»

دادگری تازه برتر از دادگری قدیم است

«چه شما را می‌گویم که اگر دادگريتان از کاتبان و فریسیان پیشی نگیرد. به ملکوت آسمان‌ها در نخواهید آمد. شنیده‌اید^{۱۱} که نیاکان را گفته شده است: قتل مکن؛ و اگر کسی قتل کرد، در محکمه پاسخ عمل خویش خواهد داد. لیک شما را می‌گویم که هر کس بر برادر خود خشم گیرد، در محکمه پاسخ عمل خویش خواهد داد؛ اما اگر برادر خود را ابله^{۱۲} خواند. در سنهدرین^{۱۳} پاسخ عمل خویش خواهد داد؛ و اگر او را نادان^{۱۴} خواند، در دوزخ آتشین پاسخ عمل خویش خواهد داد. پس آن‌گاه که هدیه خویش به قربان‌گاه می‌بری، اگر آن‌جا به یاد آوردی که برادرت از تو شکایت دارد، هدیه خویش همان‌جا برابر قربان‌گاه واگذار و نخست به آشتی برادرت برو؛ سپس بازگرد و آن‌گاه هدیه^{۱۵} خویش ببر. شتاب کن که با مدعی خود مادام که هنوز با او در راهی صلح کنی، مبدا مدعی تو را به داور سپارد و داور به نگاهبان و به زندانت درافکند. به راستی تو را می‌گویم که تا پیش از آخر را باز پس ندهی، از آن‌جا برون نخواهی شد.»

«شنیده‌اید که گفته شده است: زنا مکن. لیک شما را می‌گویم که هر کس زنی را از روی میل کردن به او درنگرد. همان دم در دل خویش با او زنا کرده است. اگر چشم راست تو را به گناه کشاند، آن را برکن و از خویشتن دور کن؛ چه ترا آن به که از اعضای تو یکی از میان برود و تن تو از پای تا به سر درون دوزخ درافکند نشود. و اگر دست راست تو را به گناه کشاند، آن را قطع کن و از خویشتن دور کن؛ چه تو را آن به که از اعضای تو یکی از میان برود و تن تو درون دوزخ نرود. «نیز گفته شده است: هر کس زن خویش را طلاق دهد، او را طلاق‌نامه دهد. لیک شما را می‌گویم هر آن مردی که زن خویش را به سببی جز فحشا طلاق دهد، او را به زنا کشانیده است؛ و هر کس مطلقه‌ای را به همسری گیرد، مرتکب زنا شده است.»

«باز شنیده‌اید که نیاکان را گفته شده است: سوگند دروغ مخور، بلکه سوگندهایی را که به نام خداوند یاد کرده‌ای وفا کن. لیک شما را می‌گویم که به هیچ روی سوگند مخورید: نه به آسمان، چه اورنگ خدا است؛ نه به زمین، چه کرسی زیر پاهای او است؛ نه به اورشلیم، چه شهر پادشاه بزرگ است. به سر خویش نیز سوگند مخور، چه توان آن نداری که یک موی آن را سپید یا سیاه گردانی. کلام شما «آری؟ آری»، «خیر؟ خیر»^{۱۵} باشد؛ آنچه افزون بر این گفته شود، عمل بدکار است.»

«شنیده‌اید که گفته شده است: چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان. لیک شما را می‌گویم که برابر بدکار قد میافزاید؛^{۱۶} بر خلاف، چون کسی بر گونه^{۱۷} راست تو سیلی نواخت، گونه^{۱۸} دیگر را به سوی او گردان؛ اگر بر آن است تا به محکمه‌ات کشاند و پیراهنت را بگیرد،^{۱۹} ردای خویش را نیز بر او واگذار؛ اگر تو را به پیمودن هزار گام واداشت، دو هزار گام با او بیماری. به آن کس که از تو طلب کند، عطا کن؛ از آن کس که از تو وام خواهد، روی مگردان.»



«شنیده‌اید که گفته شده است: *همنوع خویش را دوست بدار و از دشمنت بیزارى جوی.*»^{۱۸} لیک شما را می‌گویم که دشمنان خویش را دوست بدارید^{۱۹} و از برای آزارگرائتان^{۲۰} دعا کنید. از آن روی که پسر پدر خویش گردید که در آسمان‌ها است، چه او خورشیدش را بر سر نیکان و بدان بر می‌آورد و باران را بر دادگران و ستمکاران فرو می‌بارد. چه اگر دوستداران خویش را دوست بدارید. شما را چه پاداشی خواهد بود؟ آیا خراج‌گیران^{۲۱} نیز چنین نمی‌کنند؟ و اگر برادران خویش را سلام گویند، چه فضیلتی از شما سر زده است؟ آیا مشرکان نیز چنین نمی‌کنند؟ پس شما نیز کامل خواهید بود، همچنان که پدر آسمانیان کامل است.

داند که شما را چه باید، زان پیش که از او طلب کنید
«پس شما چنین دعا کنید:^{۲۵}

ای پدر ما که در آسمانی،

نام تو مقدس باد،

بادا که سلطنتت فرارسد،

بادا که بر زمین و آسمان

ارادته‌ات انجام پذیرد.

امروز نان روزانه^{۲۶} ما را ارزانیان دار،

وام‌های ما را بر ما ببخش

همچنان که ما نیز بر وامداران خویش می‌بخشیم.

و ما را در معرض آزمون^{۲۷} قرار مده؛

بلکه از بدکار^{۲۸} برهان.

«آری، اگر تقصیرهای آدمیان را بر ایشان ببخشاید، پدر آسمانیان نیز بر شما خواهد بخشود؛ لیک اگر بر آدمیان ببخشاید پدر شما نیز تقصیرهایتان را بر شما نخواهد بخشود.»

روزه گرفتن در نهان

«آن‌گاه که روزه می‌گیرید. چون ریاکاران رخساره در هم مکشید: اینان چهره را نزار می‌کنند تا آدمیان نیک دریابند که روزه دارند. به‌راستی شما را می‌گویم که اینان پاداش خویش را گرفته‌اند. اما تو، آن‌گاه که روزه می‌گیری، سر خویش عطرآگین ساز و رخساره خود بشوی، از آن روی که از روزه‌ات نه آدمیان، بلکه پدرت آگهی یابد که آن‌جا است، در نهان؛ و پدرت که در نهان می‌بیند، تو را پاداش آن خواهد داد.»

گنج راستین

«بهر خویش به روی زمین گنج میندوزید، آن‌جا که بید می‌خورد و کرم می‌گذارد. آن‌جا که ربایندگان نقب می‌زنند و به یغما می‌برند. بلکه در آسمان‌ها گنج اندوزید: آن‌جا نه بید می‌خورد و کرم می‌گذارد و نه ربایندگان نقب می‌زنند و به یغما می‌برند. چه هر کجا گنجت باشد، دلت نیز آن‌جا خواهد بود.»

صدقه دادن در نهان

«برابر آدمیان دادگری خویش به‌جا می‌آورید^{۲۳} تا در نظر ایشان جلوه‌نمایید؛ وگرنه نزد پدر خویش که در آسمان‌ها است، شما را پاداشی نخواهد بود. پس چون صدقه می‌دهی، کار خویش در کرنا مکن؛ ریاکاران^{۲۴} در کنیسه‌ها و معابر چنین می‌کنند تا آدمیان ایشان را تمجید کنند؛ به‌راستی شما را می‌گویم که اینان پاداش خویش را گرفته‌اند. لیک تو آن‌گاه که صدقه می‌دهی، دست چپ تو از آنچه دست راستت می‌کند، آگهی نیابد، از آن روی که صدقات نهانی باشد؛ و پدرت که در نهان می‌بیند، تو را پاداش آن خواهد داد.»

دعا کردن در نهان

«و آن‌گاه که دعا می‌کنید،^{۲۴} چون ریاکاران مباشید: اینان دوست می‌دارند که به‌ر به‌جای آوردن دعاهای خویش، در کنیسه‌ها و چهارراه‌ها قد برافرازند تا به چشم آیند. به‌راستی شما را می‌گویم که اینان پاداش خویش را گرفته‌اند. لیک تو، آن‌گاه که دعا می‌کنی، به‌اتاق خویش برو، در را به روی خود بربند و دعا کن به درگاه پدر خویش که آن‌جاست، در نهان؛ و پدرت که در نهان می‌بیند، ترا پاداش آن خواهد داد.»

دعای راستین، دعای پدر

«در دعاهای خویش چون مشرکان لب‌مجانبید: اینان می‌پندارند که با زیاده‌سخن گفتن، کلامشان بهتر شنیده می‌شود. کار ایشان را مکنید؛ چه پدرتان نیک می‌-



Dore Bible Illustrations • Free to Copy www.creationism.org/images/ Look 24:16-27 Ought not Christ to have suffered these things, and to enter into his glory? And beginning at Moses and all the prophets, he expounded unto them in all the scriptures the things concerning himself.

شما بسی افزون تر نخواهد کرد ای مردم کم ایمان؟ پس دل نگران مباشید و مگویید چه خواهیم خورد؟ چه خواهیم نوشید؟ چه خواهیم پوشید؟ این همه را مشرکان می جویند. باری، پدر آسمانی شما می داند که به این همه نیازمندید. نخست ملکوت و دادگری او را بجوید و این همه افزون بر آن شما را ارزانی خواهد شد. پس دل نگران فردا مباشید: دل نگرانی فردا از برای فردا خواهد بود. هر روز را رنج همان روز بس.

داوری نکردن

«داوری مکنید تا بر شما داوری نشود»^{۳۰} چه همان داوری که می-کنید، در باب شما خواهد شد و با همان پیمان که می پیمایید، از برای شما پیموده خواهد شد. از چه روی پر کاهی را که در دیده برادرت است، می بینی و دیگری را که در دیده خویش داری، نمی بینی! یا چه سان برادر خویش را می گویی: بگذار پر کاه از دیدهات بگیرم». حال آن که خود دیگری در دیده داری! ای ریاکار، نخست دیرک از دیده خویش بگیر تا از برای برگرفتن پر کاه از دیده برادرت، به روشنی ببینی.

ملوث نکردن مقدسات

«آنچه مقدس است»^{۳۱} به سگان مدهید و نه مرواریدهای خویش پیش خوکان اندازهید. مبدا آنها را پایمال کنند، پس آن گاه برگردند و شما را بردرند.

کارسازی دعا

«طلب کنید تا شما را عطا کنند؛ بجوید تا بیابید؛ در بگوید تا بر شما در بکشایند. چه آن که طلب کند، عطا گیرد؛ آن که بجوید بیابد؛ و بر آن که در بگوید، در بکشایند. میان شما کدام مرد است که چون پسرش از او نان طلب کند، او را سنگ دهد؟ یا چون از او ماهی طلب کند، او را مار دهد؟ پس اگر شما که بدکارانید، فرزندان خویش را عطایای نیکو می دهید، پدر شما که در آسمانها است، به آنان که از او درمی خواهند، چه اندازه افزون تر عطایای نیکو ارزانی خواهد داشت!

قاعده زرین^{۳۲}

«بدین سان، هر آنچه می خواهید آدمیان از برای شما کنند، خود بهر ایشان کنید: این است شریعت و کتابهای پیامبران.

دو راه^{۳۳}

«از در تنگ درآیید. چه فراخ است و گشاده آن راهی^{۳۴} که به هلاکت منتهی می شود و بسیارند کسانی که بدان گام می نهند؛ لیک تنگ است آن در و باریک است آن راهی که به حیات منتهی می شود و اندکند کسانی که آن را می یابند.

دیده، چراغ تن

«چراغ تن، دیده است. پس اگر دیدهات سالم باشد، تنت از پای تا به سر نورانی خواهد بود. لیک اگر دیدهات بیمار باشد، تنت از پای تا به سر ظلمانی خواهد بود. پس اگر نوری که در تو هست ظلمت است، چه ظلمتی است!»^{۳۵}

خدا و مال

«کس خدمت دو ارباب نتواند گزارد: یا از یکی بیزاری خواهد جست و دیگری را دوست خواهد داشت، یا به یکی دل خواهد بست و دیگری را خوار خواهد داشت. خدمت خدا و مال را توأمان نتوانید گزارد.

خویشتن را به عنایت الهی سپردن

«از این روی، شما را می گویم که دل نگران زندگی خویش مباشید که چه خواهید خورد و در غم تن خویش مباشید که چه خواهید پوشید. آیا زندگی برتر از خوراک نیست و تن، برتر از پوشاک؟ پرندگان آسمان را درنگرید که نه می کارند و نه می دروند و نه در انبارها گرد می آورند و پدر آسمانی شما آنها را روزی می دهد! آیا شما افزون تر از آنها نمی ارزید؟ وانگهی، از میان شما کیست که بتواند دل نگرانی، ذراعی بر طول عمر خویش بیفزاید؟ و از چه روی دل نگران جامه ای؟ سوسنهای صحرا را درنگرید که چه سان می رویند: نه رنج می برند و نه نخ می ریسند. باری، شما را می گویم که سلیمان نیز با تمام حشمت خویش، جامه ای چون یکی از آنها بر تن نداشت. پس اگر خدا بر تن سبزه صحرا که امروز هست و فردا به تتور افکنده خواهد شد، جامه ای این چنین می کند، از برای

پیامبران دروغین

«از پیامبران دروغین^{۳۵} حذر کنید که به هیئت میش‌ها نزد شما می‌آیند، لیک در باطن، گرگان درنده‌خوینند. اینان را از ثمراتشان بازخواهید شناخت. انگور را از خار توان برچید و انجیر را از خس؟ بدین‌سان، هر درخت نیکو میوه‌های نیکو آورد، حال آن که درخت خراب میوه‌های تپاه آورد. درخت نیکو نه میوه‌های تپاه تواند آورد و درخت خراب نه میوه‌های نیکو. هر درختی که میوه نیکو نیاورد، آن را می‌برند و به آتش می‌افکنند. پس بدین‌سان آنان را به ثمراتشان بازخواهید شناخت.»

شاگردان راستین

«با «خداوند، خداوند» خواندن من کس به ملکوت آسمان‌ها در نخواهد آمد، بلکه با به‌جای آوردن اراده پدرم که در آسمان‌ها است. در آن روز^{۳۶} بسیاری مرا خواهند گفت: «خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نکردیم؟ به نام تو دیوها را دفع نکردیم؟ به نام تو معجزات بسیار نکردیم؟» آن‌گاه بی‌پرده ایشان را خواهم گفت: «هرگز نمی‌شناسمتان؛ از من دور شوید ای ستمکاران.»

«بدین‌سان، هر کس این کلام‌ها را که بر زبان آوردم، بنیوشد و آنها را به کار بندد، به‌سان آن مرد خردمندی است که خانه خویش بر صخره بنا کرد. باران بارید، سیلاب‌ها روان گشت، بادها وزیدن گرفت و بر این خانه کوفت و خانه فرو ریخت؛ چرا که بر صخره استوار بود. و هر کس این کلام‌ها را که بر زبان آوردم، بنیوشد و آنها را به کار نبندد، به‌سان آن مرد نابخردی است که خانه خویش بر رمل بنا کرد. باران بارید، سیلاب‌ها روان گشت، بادها وزیدن گرفت و بر این خانه هجوم آورد و خانه فرو ریخت. و ویرانی آن عظیم بود!»

حیرت مردم

چون عیسی این کلام‌ها را به پایان بُرد. مردمان از تعلیم او در شگفت شدند: چه ایشان را به‌سان انسانی مقتدر تعلیم می‌داد و نه همچون کاتبانشان.^{۳۷}

پی‌نوشت:

۱. عیسی روح تازه ملکوت خدا را در خطابه آغازین شرح داده است. این خطابه در انجیل مرقس از قلم افتاده(مر: ۱۹/۳+) و در انجیل‌های متی و لوقا(۲۰/۶-۴۹) دو تحریر متفاوت از آن ارائه شده است. در انجیل لوقا آنچه به شرایع و شعائر یهودی مربوط می‌شده(مت: ۱۷/۵-۱۸/۶) و برای خوانندگان آن چندان جالب توجه نبوده، حذف شده است؛ بر عکس در انجیل متی کلام‌هایی که در موقعیت‌های دیگری بر زبان عیسی جاری گشته، در این خطابه گنجانده شده است(بنگرید به آیات موازی آن‌ها در انجیل لوقا) تا برنامه‌ای کامل‌تر به دست آید. ساختار پایه این بخش از این قرار است: ۱. درآمد (۱/۵-۱/۶)؛ ۲. تفسیر تازه شریعت اخلاقی کتاب مقدس(ده فرمان، احکام بزرگ محبت به خدا و هم‌نوع، تکالیف پرهیزگاری، ۱۷/۵-۱۲/۷)؛ ۳. نتیجه‌گیری(۱۳/۷-۲۹). این تفسیر تازه ارائه‌گر ژرف‌کاوی و درونی‌سازی است. ۲. مراد یکی از تپه‌های نزدیک کَفَرناحوم است.

۳. در عهد عتیق عبارات‌های تهنیت‌گویی از این دست در خصوص پرهیزگاری، حکمت و خوشبختی، گاه به کار رفته است(مز: ۱-۱/۱؛ ۲-۱۲/۳۳؛ ۵-۱۲۷/۵-۵؛ ۳/۳؛ سی: ۸/۳۱، و غیره). در قُمران نوشته‌هایی کشف شده است که در آن‌ها، از سعادت‌های این‌گونه که دارای مشخصه حکمی هستند، یاد شده است. عیسی با روحیه پیامبران، یادآور می‌شود که فقیران نیز از این «برکات» سهم دارند: سه «سعادت» نخست(مت: ۳/۵-۵؛ لوقا: ۲۰/۶-۲۱+) مبین آن است که آدمیانی که معمولاً بخت برگشته و نفرینی شمرده می‌شوند، نیکبخت هستند، زیرا درخور آنند که برکت ملکوت را بیابند. سعادت‌های بعدی به طرز مستقیم‌تری ناظر بر وضع روحی آدمی است. در مورد دیگر سعادت‌هایی که عیسی از آن‌ها یاد کرده است، بنگرید به مت: ۶/۱۱؛ ۱۳/۱۶؛ ۱۷/۱۶؛ ۴۶/۲۴؛ لوقا: ۲۷/۱۱-۲۸، و غیره. نیز بنگرید به لوقا: ۴۵/۱؛ مکا: ۳/۱؛ ۱۳/۱۴، و غیره.

۴. تت: «فقیران در روح». مسیح واژه «فقیرانه» را به مفهوم روحی آن به کار می‌برد که پیش از او نزد صَفَنیّا نیز محسوس است(بنگرید به صف: ۳/۲+) و در این‌جا با عبارت «در روح»، که در لوقا: ۲۰/۶ نیامده، بدان تصریح شده است. «فقیران» یا «فروتنان» که محروم و ستم‌دیده‌اند، مهیای ملکوت آسمان‌ها هستند، مضمون سعادت‌ها این است(بنگرید به لوقا: ۱۸/۴؛ ۲۲/۷= مت: ۵/۱۱؛ لوقا: ۱۳/۱۴؛ یح: ۵/۲). «فقر» در کنار «کودکی روحانی» قرار می‌گیرد که لازمه ورود به ملکوت است(مت: ۱/۱۸=مر: ۳۳/۹؛ بنگرید به لوقا: ۴۶/۹؛ مت: ۱۳/۱۹ ب م؛ ۲۵/۱۱ ب م). درباره راز مکشوف شده بر «کوچکان» (nepioi). بنگرید به لوقا: ۳۲/۱۲؛ ۱/۱۲؛ ۲۶/۱ ب. «فقیران» (ptochoi) با «فروتنان» (tapeinoi) نیز متناظرند(لوقا: ۴/۸، ۱/۱۴؛ ۵/۲؛ ۱۱/۱۴؛ ۱۴/۱۸؛ مت: ۱۲/۲۳؛ ۴/۱۸). «آخرینان» در برابر «اولینان» قرار می‌گیرند. (مر: ۳۵/۹) و «کوچکان» در برابر «بزرگان»(لوقا: ۴۸/۹؛ مت: ۳۰/۱۹؛ ۲۶/۲۰؛ بنگرید

به لو: ۱۰/۱۷). اگرچه در عبارت مت: ۳/۵، بر روح فقر نزد توانگران و فقیران به یکسان تأکید می‌شود، آنچه مسیح کلاً بدان نظر دارد، فقر راستین است، به‌ویژه برای شاگردان خویش (مت: ۱۹/۶ ب؛ لو: ۳۳/۱۲؛ مت: ۲۵/۶؛ م: ۱۸/۴؛ بنگرید به لو: ۱/۵ ب؛ م: ۹/۹؛ م: ۲۱/۱۹؛ م: ۲۷/۱۹؛ بنگرید به مر: ۲۸/۱۰؛ رس: ۴۴/۲؛ م: ۳۲/۴). مسیح خود سرمشق فقر (لو: ۷/۲؛ مت: ۲۰/۸) و فروتنی (مت: ۲۹/۱۱؛ م: ۲۸/۲۰؛ م: ۵/۲۱؛ یو: ۱۲/۱۳؛ بنگرید به کر: ۹/۸؛ فی: ۷/۲) را به دست می‌دهد. خویشتن را با کوچکان و تیره‌روزان همانند می‌سازد (مت: ۴۵/۲۵؛ بنگرید به ۱۸/۵ م).

۵. یا: «فروتان» آیه ۴ که بر گرفته از مزامیر بر اساس یونا. است، می‌تواند صرفاً تعلیق آیه ۳ بوده باشد؛ از قلم انداختن آن سبب می‌شود که شمار سعادت‌ها به هفت برگردد (بنگرید به ۹/۶+).

۶. شاگردان جانشینان پیامبران هستند (بنگرید به ۴۱/۱۰؛ ۱۷/۱۳؛ ۳۴/۲۳).

۷. در دوران قدیم، پیمانان از وسایل کوچک خانه بود که سه یا چهار پایه داشت. بنابراین، در این جا مراد صرفاً نهان داشتن چراغ به زیر این وسیله است که تا حدودی مانند قرار دادن آن زیر تخت است (بنگرید به مر: ۲۱/۴) و نه خاموش کردن چراغ با نهادن سرپوش‌های امروزی بر آن. [در متن فرانسه لفظ *boisseau* به کار رفته که به معنی پیمانان استوانه‌ای شکلی است که در قدیم با آن غذایی سخت را اندازه‌گیری می‌کردند. حجم این پیمانان حدود پانزده لیتر بوده است. - م.]

۸. عیسی نیامده است تا شریعت (و تمامی نظام قدیم) را از میان بردارد (تث: ۸/۴+) یا آن را هم‌چون آیینی نقض‌ناشدنی تقدیس کند، بلکه آمده است تا با تعلیم و کردار خویش بدان صورتی تازه و قطعی بخشد که در آن، غایتی که شریعت رو به سوی آن دارد، سرانجام در حد کمال تحقق می‌یابد. این نکته به‌ویژه در خصوص «دادگری» (آیه ۲۰؛ بنگرید به ۱۵/۳؛ لاو: ۱۵/۱۹؛ روم: ۱۶/۱+) و دادگری «کامل» (آیه ۴۸) صدق می‌کند که حکم‌های مذکور در آیات ۲۱-۴۸ چندین نمونه شاخص از آن را به دست می‌دهد. حکم قدیم درونی می‌شود و شامل میل و انگیزه نهانی نیز می‌گردد (بنگرید به ۳۴/۱۲؛ ۲۸-۲۵/۲۳). بنابراین، هیچ نکته جزئی از شریعت نباید از قلم انداخته شود، مگر آن که بدین‌سان به کمال خویش رسد (آیات ۱۸-۱۹؛ بنگرید به ۵۲/۱۳). مراد بیشتر تعمیق است تا تسهیل (۲۸/۱۱). محبت که پیش از این شریعت قدیم در آن خلاصه شده است (۱۲/۷؛ ۳۴/۲۲-۴۰ م)، مبدل به حکم تازه و زوال‌ناپذیر عیسی می‌شود (یو: ۴۳/۱۳) و تمامی شریعت را کامل می‌سازد (روم: ۱۳-۸/۱۰؛ گا ۱۴/۵؛ بنگرید به کو: ۱۴/۳+).

۹. عیسی با *میین* گفتن (مز: ۱۴/۴۱+؛ روم: ۲۵/۱+) در آغاز پاره‌ای از کلام‌های خویش (۲، ۵/۶، ۱۶، و غیره)، بر اهمیت آن‌ها تأکید می‌کند. واژه عبری که در اصل دلالت بر قطعیت داشته، در دو جهت تحول یافته است: راستی و امانت. در این جا واژه مزبور صرفاً معنی «براستی» را می‌رساند.

۱۰. تث: «نه یوطا و نه تیره کوچکی».

۱۱. تعلیم سنتی به صورت شفاهی داده می‌شد، به‌ویژه در کنیسه‌ها.

۱۲. ترجمه واژه آرامی *راغا* (Raga) که به معنی «تهی مغز» یا «بی‌مغز» است.

۱۳. در این جا مراد سنهدرین کبیر است که در اورشلیم تشکیل می‌شد. در نقطه مقابل «محاکم» ساده (آیات ۲۱-۲۲) که در نقاط مختلف مملکت پراکنده بودند.

۱۴. معنای نخست لفظ یونانی «نابخرد» است، اما در استعمال یهودیان مفهوم بسیار حادث‌تری بدان افزوده شده که دلالت بر بی‌دینی دارد.

۱۵. این عبارت که ظاهراً بسیار مشهور است (بنگرید به کر: ۱۷/۱؛ یح: ۱۲/۵)، به صورت‌های مختلفی می‌تواند تعبیر شود: ۱. راست‌گویی: اگر باید گفت آری، بگویید آری؛ اگر باید گفت خیر، بگویید خیر. ۲. صداقت: آری (یا خیر) لفظی با آری (یا خیر) قلبی متناظر باشد. ۳. وقار: تکرار آری یا خیر، صورت موقرانه تأیید یا نفی است که باید کافی باشد و آدمی را از سوگند خوردن به خدا بی‌نیاز سازد.

۱۶. عیسی به آن چیزی اشاره می‌کند که «قانون قصاص» نامیده می‌شود. تعیین مجازات به تناسب جرم، موجب تحدید تقاص می‌گردد (بنگرید به پی: ۲۴-۲۳/۴). با این حکم عیسی، به مرحله تازه‌ای از تحول اخلاقیات گذر می‌کنیم، حکمی که در ضمن بازناب آن را در متون ربّنی بعدی نیز باز می‌یابیم. توجه خواهیم کرد که تمامی مثال‌ها مربوط به بدی‌هایی می‌شود که خود ما از آنها زیان می‌بینیم. عیسی نه ایستادگی متانت‌آمیز در برابر حمله‌هایستم‌گرانه را منع می‌کند (بنگرید به یو: ۲۲/۱۸) و، بیش از آن، نه بیکار با بدی را در جهان.

۱۷. به عنوان وثیقه (بنگرید به خر: ۲۵/۲۲؛ تث: ۱۲/۲۴). سیاقی خلاف متعارف این اندیشه که البته تعدی است، آشکار است (بنگرید به ۳۴/۱۹).

۱۸. بخش دوم این حکم بدین صورت در شریعت نیامده است و نمی‌تواند آمده باشد. این عبارت ناگزیر، متعلق به زبانی است که از لحاظ اختلافات ظریف بیانی فقیر است (اصل آرامی) و معادل است با: «نبايد دشمن خویش را دوست بداری». لو: ۲۶/۱۴ را مقایسه کنید با مت: ۳۷/۱۰ که با آن موازی است). با این همه، در سی: ۴/۱۲ و در نوشته‌های قمران (۱ قماش: ۱۰/۱، و غیره) انزجاری از گنه‌کاران را می‌یابیم که از کینه‌توزی دور نیست و عیسی می‌توانسته بدان نظر داشته باشد.

۱۹. افز: «با آن که از شما بیزاری می‌جویند، نیکی کنید».

۲۰. افز: «و از برای آنان که با شما بدرفتاری می‌کنند» (بنگرید به لو: ۲۷/۶).

۲۱. مأموران وصول مالیات که اغلب با توسل به زور و تهدید خراج می‌گرفتند و شغل آنها در نظر عموم پست شمرده می‌شد (بنگرید به ۱۰/۹؛ ۱۸/۱۰+).

۲۲. تث: «دادگری خویش مکنید» (نب: «صدقه مدهید»); یعنی به جای آودن کارهای نیکی که انسان را در پیشگاه خدا دادگر می‌گرداند. اصلی‌ترین این اعمال در نظر یهودیان عبارت بود از صدقه (آیات ۵-۶) و روزه (آیات ۱۶-۱۸).

۲۳. این صفت که شامل تمامی زاهدان دروغینی می‌شود که پرهیزگاری ظاهری و متظاهرانه دارند. در ذهن متی به طور خاص برای فرقه فریسیان به کار می‌رود (بنگرید به ن: ۱۵/۷؛ ۲۲/۱۸؛ ۲۳/۱۳-۱۵).

۲۴. عیسی با سرمشق قرار دادن خویشتن (مت: ۲۳/۱۴) و نیز با تعلیمات خویش، به شاگردانش تکلیف و شیوه دعا کردن را آموخته است. دعا به درگاه

خدا باید خاضعانه به جای آورده شود(لو: ۱۰/۱۸-۱۴) و در حضور آدمیان فروتنانه باشد(مت: ۵/۶-۶/۱۲؛ مر: ۴۰/۱۲)، قلبی باشد و نه لفظی(مت: ۷/۶)، با اعتماد بر احسان پدر باشد(مت: ۷/۷؛ ۸/۶-۱۱) و تا حد تصدیق ابرام آمیز باشد(لو: ۸/۵-۸/۱۸؛ ۱۱/۸). دعا اجابت می‌شود اگر مؤمنانه باشد(مت: ۲۲/۲۱) و به نام عیسی به جای آورده شود(مت: ۱۹/۱۸-۲۰؛ یو: ۱۳/۱۴-۱۴؛ ۷/۱۶؛ ۲۳/۱۶-۲۷) و در آن امور خیر طلب شود(مت: ۱۱/۷) همچون روح القدس(لو: ۱۳/۱۱)، بخشایش(مر: ۲۵/۱۱)، نیکی از برای آزارگران(مت: ۴۴/۵؛ م: بنگرید به لو: ۳۴/۲۳) و به‌ویژه ظهور سلطنت خدا و حمایت به هنگام آزمون آخر زمان(مت: ۲۴/۲۰؛ م: ۴۱/۲۶؛ تو: ۳۶/۲۱؛ بنگرید به لو: ۳۱/۲۲-۳۲). این تمامی جوهره دعای نمونه‌ای است که مسیح خود آن را تعلیم داده است(مت: ۹/۶-۱۵).

۲۵. در تحریر انجیل متی، دعای پدر حاوی هفت خواسته است. این رقم در انجیل متی گرامی است: دو هفت نسل در شجره نامه عیسی(۱/۱۷)؛ هفت سعادت(۳/۵)؛ هفت تمثیل(۳/۱۳)؛ بخشودن نه هفت بار بلکه هفتاد و هفت بار(۲۲/۱۸)؛ هفت نفرین بر فریسیان(۱۳/۲۳). شاید برای به دست آوردن این رقم بوده است که در انجیل متی، به متن پایه(لو: ۲/۱۱-۴) درخواست‌های سوم(بنگرید به ۲۱/۲۱؛ ۲۶/۲۶) و هفتم(بنگرید به «بدکار» ۱۳/۱۹، ۳۸) افزوده شده است.

۲۶. ترجمه مرسوم و محتمل واژه‌های دشوار، می‌توانستیم این ترجمه‌ها را نیز پیشنهاد کنیم: «لازم برای بقا» و «فردا». به هر روی اندیشه نهفته در آیه این است که باید از خدا حمایت ضروری برای زندگی مادی را درخواست کرد، اما تنها همین، نه ثروت و مکنث. آباء این متن را با مائده ایمانی تطبیق داده‌اند، نان کلام خدا و نان آیین قربانی مقدس(بنگرید به یو: ۲۲/۶).

۲۷. ترجمه پیشنهاد شده دو پهلو است[در ترجمه فرانسه، لفظ *tentation* به کار رفته که به دو معنای «آزمون» و «وسوسه» است. م.]. خدا ما را می‌آزماید، اما هیچ کس را وسوسه نمی‌کند(یع: ۱۲/۱؛ کر: ۱۳/۱۰). معنی تساهل آمیز فعل آرامی که عیسی به کار برده، «مگذار وارد شویم: است و نه «ما را وارد مگردان» این معنا در متن یونانی و وولگات برگشته است. از سده‌های نخست مسیحی، در بسیاری از نسخه‌های خطی لاتینی به جای *Ne nos inducas* (ما را وارد مگردان) آمده است *Ne nos inducas* (مگذار وارد شویم). از خدا می‌خواهیم که ما را از آزماینده برهانند و از او تمنا می‌کنیم که به آزمون، یعنی به ارتداد، درنیاییم(بنگرید به مت: ۴۱/۲۶ و آیات موازی).

۲۸. یا: «باز بی». -افز: «چه ملکوت و قدرت و مجد تا ابد از آن تو است». این تعلیق که متعلق به آیین‌های عبادی و ملهم از ۱ تو: ۱۱/۲۹-۱۲ است. دعا را در مضمون مرکزی آن یعنی ملکوت خدا (آیه ۱۰) باز می‌گرداند. این تعلیق که در نسخه‌های خطی بزرگ عهد جدید نیامده است، در کتاب *آموزه دوازده رسول* متعلق به سده دوم میلادی و نسخه‌های خطی بیزانسی ذکر شده است. [آموزه دوازده رسول آن به یونانی *دید/خه* یا *didache* یا *دید/که* به معنی «آموزه» یا «تعلیم» است، کتاب کوچکی است که برای تعلیم مسیحیت به یونانی نگاشته شده است. تاریخ تدوین این کتاب بسیار نزدیک به زمان تألیف کتاب‌های تشکیل‌دهنده عهد جدید است. متن این کتاب که قرن‌ها مفقود بود، در ۱۸۷۵ در قسطنطنیه کشف شد. - م.]

۲۹. نور مادی که به سبب سلامت یا بیماری چشم، تن از موهبت آن بهره‌مند یا بی‌بهره می‌گردد، با نور معنوی مقایسه شده است که از روح پرتوفشان می‌شود: اگر این نور تیرگی گیرد، نابینایی حاصل از آن به مراتب بدتر از کوری جسمانی است.

۳۰. در باب دیگران داوری مکنید تا خدا در باب شما داوری نکند. در آیه بعد نیز مراد همین است(بنگرید به یح: ۱۲/۴).
۳۱. گوشت‌های مقدس، مواد غذایی که به سبب تقدیم به معبد، تقدیس شده بود(بنگرید به خرو: ۳۰/۲۲؛ لاو: ۱۴/۲۲). - همچنین، نباید آموزه‌ای ارزنده و مقدس را بر مردمی عرضه داشت که قادر نیستند آن را به نیکی دریابند و می‌توانند از آن استفاده نادرست کنند. در متن مشخص نشده که این مردم چه کسانی هستند: یهودیان معاند؟ یا مشرکان(بنگرید به ۲۶/۱۵)؟

۳۲. این شعار رفتاری در دنیای باستان و به خصوص در یهودیت بسی شناخته شده بود(بنگرید به طو: ۵/۴؛ نامه آریستایوس، ترگوم لاو: ۱۸/۱۹؛ هیلل، فیلون، و غیره)، اما در قالب سلبی: با دیگری آن نکنیم که نمی‌پسندیم ما کنند. عیسی و پس از او نوشته‌های مسیحی، به این اشعار صورت ایجابی بخشیدند که بسی سخت گیرانه‌تر است.

۳۳. آموزه دو راه نیک و بد که انسان باید از میان آن‌ها یکی از برگزیند. مضمونی کهن و شایع در یهودیت است(بنگرید به تث: ۱۵/۳۰ - ۲۰؛ مز: ۱؛ ام: ۱۸/۴ - ۱۹؛ ۲۸/۱۲؛ ۲۴/۱۵؛ سی: ۱۷/۱۵؛ ۱۴/۳۳). این مضمون در رساله اخلاقی کوچکی که از طریق کتاب *آموزه دوازده رسول* و ترجمه لاتینی آن *doctrina apostolorum* (آموزه رسولان) به ما رسیده، بیان گشته است گمان می‌رود که تأثیر آن در این موارد نیز احساس می‌شود: مت: ۱۴/۵ - ۱۸ - ۱۲/۷ - ۱۴ - ۱۶/۱۹ - ۲۶ - ۳۴/۲۲ - ۴۰ و در روم: ۱۶/۱۲ - ۲۱ - ۸/۱۳ - ۱۲.

۳۴. نب: «فراخ است آن در و گشاده است آن راه»

۳۵. حکیمان دروغین که مردم را با ظواهر فریبنده پرهیزگاری اغوا می‌کنند و در پی مقاصد سودجویانه‌اند(بنگرید به ۲۴/۲۴؛ حز: ۲۲/۲۲؛ ۲۸؛ ۹/۲۳-۱۴).

۳۶. در روز داوری اخروی.

۳۷. که تمامی تعالیم خویش را در سایه «سنت» مشایخ حفظ می‌کردند(بنگرید به ۲/۱۵). -افز: «و فریسیان».